نیم خط

یک هدیه ناقابل

■ کامبیز قبادی

هدیه تولد ۱۷۰ میلیون تومانی فوتبالیست ملی‌پوش به همسرش، در روزهایی که اغلب بازیکنان لیگ برتری از عدم دریافت حق و حقوقشان گلایه دارند، از آن دست اتفاق‌های عجیب و قابل تامل به حساب می‌آید.

طی روزهای اخیر بازیکنان زیادی از وضعیت مالی تیم‌شان ابراز نارضایتی کردند. از سرخابی‌ها گرفته تا بازیکنان تیم‌های دیگر. آنها در حالی این صحبت‌ها را مطرح می‌کنند که بهترین ماشین‌ها را سوار می‌شوند و بهترین پوشاک و خوراک را دارند.

شنیده‌ایم که یکی از بازیکنان ملی‌پوش که در یکی از تیم‌های مطرح کشور توپ می‌زند، اخیرا جشن تولدی برای همسرش برپا کرده است که این جشن چیزی حدود ۳۰میلیون برای او هزینه دربرداشته است. تازه این فقط هزینه تولد بوده و کادوی این فوتبالیست به همسرش، همه میهمانان را متحیر کرده است. یک گوشواره ۸۰ میلیون تومانی تنها یکی از دو کادوی گرانقیمت این بازیکن بوده است. کادوی دیگر هم یک چک ۱۰۰ میلیونی بود تا میهمانان این تولد که خود نیز از ورزشکاران ثروتمند کشور به حساب می‌آمدند، حسابی متعجب شوند. جالب است بدانید که این فوتبالیست از جمله بازیکنانی است که طی چند روز اخیر بابت مشکلات مالی با رسانه‌ها صحبت کرده و اعلام نمود که برای هزینه‌های جاری خانواده‌اش، ناچار به قرض کردن پول از دوستانش شده است!

خط کوتاه

اعتراف قاتل ۶۶ ساله در بازجویی‌های پلیسی

رییس پلیس آگاهی استان قزوین از وقوع یک قتل و دستگیری قاتل در این استان خبر داد.

علی‌حسین حسینی‌نژاد اظهار کرد: به دنبال اطلاع پلیس از وقوع قتل مردی در یک آپارتمان در تاریخ ۱۵ فروردین‌ماه سال‌جاری در قزوین، بلافاصله ماموران پلیس آگاهی در محل حاضر و تحقیقات خود را آغاز کردند. در بررسی ماموران مشخص شد قاتل با پیچیدن شیئی به دور گردن مقتول ۶۰ساله، وی را به قتل رسانده است.

رییس پلیس آگاهی استان قزوین تصریح کرد: مأموران اداره جنایی پلیس آگاهی با تحقیقات فنی کامل و از طریق بررسی تمامی ارتباطات وی با اشخاص مختلف، به یکی از نزدیکان مقتول مظنون و متهم را با هماهنگی قضایی دستگیر کردند.

حسینی‌نژاد اضافه کرد: متهم ۶۶ ساله پس از چندین بار بازجویی پلیس با صراحت به ارتکاب قتل معترف شد.

قاتل، انگیزه خود را از قتل اینچنین بیان داشته که مقتول مدتی است در یک واحد تجاری مشغول به کار است و مقدار قابل توجهی پول متعلق به صاحب مغازه در اختیار مقتول بوده و وی قصد سرقت وجوه را داشته است.

رییس پلیس آگاهی استان قزوین عنوان کرد: قاتل در این اقدام، تنها موفق به سرقت ۵۵۰ هزار تومان وجه نقد شده است.

متهم با صدور قرار بازداشت در زندان بسر می‌برد.

سرقت ۴۰ میلیون تومانی مرد کارگر

پلیس آگاهی کرمانشاه متهمی را که اقدام به سرقت ۴۰۰ میلیون ریال وجه نقد از مغازه صاحب کار خود کرده بود، دستگیر کرد.

صاحب یک مغازه پارچه‌فروشی پس از مراجعه به پلیس آگاهی اظهار داشت که در طول سال گذشته مبلغ ۴۲۰ میلیون ریال کسر حساب داشته و حال از کارگران مغازه شکایت دارد.

ماموران اداره مبارزه با سرقت با انجام تحقیقات محلی و بازبینی فیلم دوربین مداربسته مغازه فهمیدند یکی از کارگران مغازه به شیوه کاملا ماهرانه، روزانه اقدام به برداشت وجه نقد از داخل دخل می‌کرد.

به همین دلیل متهم با هماهنگی قضایی دستگیر و در بازجویی‌ها به جرمش اعتراف کرد.

سرقت برای مسافرت نوروزی خانواده مرد ورشکسته

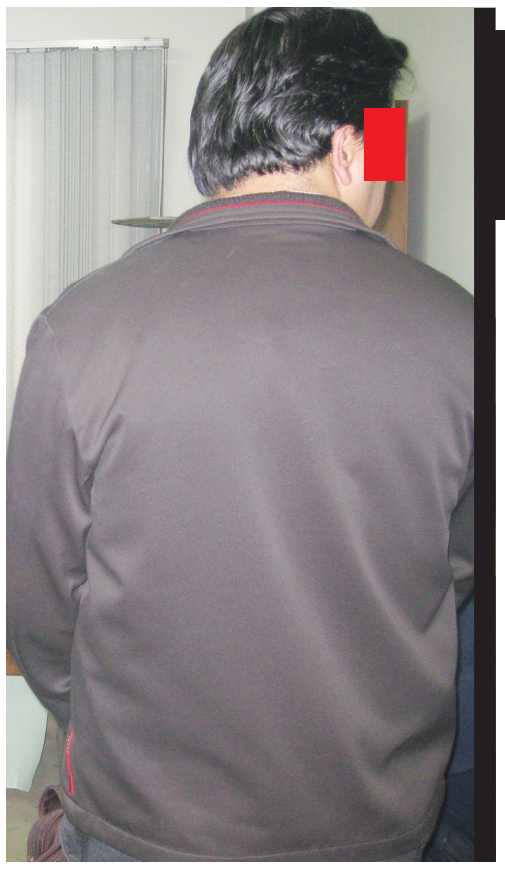

خط قرمز| مرد ورشکسته برای شادی همسر و دخترش در سفر نوروزی به سرقت خودرویی دست زد. آخرین روزهای سال ۹۲ بود که مردی با چهره‌ای آشفته به کلانتری مراجعه کرد و از سرقت خودرویش خبر داد. این مرد به ماموران گفت: ساعت ۸ شب بود که سوار خودرویم از محل کار به خانه رسیدم و چون قرار بود با خانواده‌ام به خانه یکی از آشنایان برویم، جلوی در خانه منتظر بودم تا خانواده‌ام بیایند به میهمانی برویم. دقایقی گذشت و چون دیر شده بود، از خودرو پیاده شدم و به سمت خانه رفتم و زنگ در را به صدا در آوردم.

همسرم آیفون خانه را برداشت و گفت که دقایقی دیگر جلوی در هستند. در این زمان بود که مردی ۳۵ ساله را پشت فرمان خودرویم دیدم. تا خواستم سر و صدا کنم و مانع فرارش شوم، پا روی پدال گاز گذاشت و با سرعت فرار کرد.

با ادعاهای این مرد، پلیس برای ردیابی دزد خودروی روشن وارد عمل شد، ولی در گام نخست سرنخی به دست نیامد.

پس از چند روز، تعطیلات عید نوروز شروع شد و همزمان تحقیقات پلیس کلید خورد و در حالی که صاحب خودرو ادعا می‌کرد چهره دزد خودرویش را به یاد دارد، آلبوم مجرمان سابقه‌دار را پیش‌رویش قرار دادند که در این مرحله نیز به بن‌بست خوردند.

پلیس در گام بعدی شماره پلاک خودروی سرقتی را در سیستم بانک اطلاعاتی ثبت کرد تا با دیده شدن آن در هر جای ایران توقیف شده و سرنشینان به دام بیفتند.

چهاردهمین روز تعطیلات عید بود که ماموران گشت پلیس در غرب پایتخت به رفتارهای مرد راننده پژوپرشیا مشکوک شدند و با بررسی پلاک آن پی بردند که خودرو سرقتی است و با اقدامی سریع و غافلگیرانه مانع حرکت وی شدند.

مرد جوان وقتی پلیس را دید، به آرامی سرش را روی فرمان گذاشت و در حالی که پاهایش قدرت نداشت، به سختی از خودرو پیاده شد.

«ارسلان» ۳۵ ساله پیش‌روی دادیار دادسرای ناحیه ۲۷ تهران ایستاد و با چهره‌ای پشیمان گفت من دزد نیستم.

در حالی که صاحب خودرو نیز در دادسرا حضور داشت، ارسلان به دادیار پرونده گفت: من دزد نیستم و از روی ناچاری و دلخوشی خانواده‌ام این کار را انجام داده‌ام.

وی افزود: من وضعیت مالی مناسبی داشتم، اما چندی پیش در دام کلاهبرداری افتادم و دار و ندارم از دستم رفت و حتی مجبور شدم خودروی پژو ۲۰۶ خودم را بفروشم. روزهای سختی را گذراندم و من و همسرم لطمات روحی زیادی خوردیم.

نزدیک عید بود و دخترم که ۱۲ سال دارد، دوست داشت عید را به سفر برویم و چون «مهریسا» همه زندگی‌ام است، تصمیم گرفتم خواسته‌اش را برآورده کنم.

پیش همه دوستانم رفتم، اما کسی حاضر نبود خودرویش را در اختیارم قرار دهد. نمی‌خواستم با اتوبوس سفر کنم. پولش را نداشتم و از سوی دیگر در روحیه زن و بچه‌ام تاثیر بدی می‌گذاشت. ناراحت بودم و در کوچه‌ها بی‌هدف قدم می‌زدم و دنبال راه‌حل بودم که ناگهان دیدم پژویی روشن است و کسی سوار آن نیست که همان لحظه بود که تصمیم به سرقت گرفتم.

بعد از سرقت ترسیده بودم، اما وقتی به خانه رفتم و لبخند دخترم را که دیدم، همه نگرانی‌ها و ترس را فراموش کردم و فردای آن روز همراه خانواده‌ام به شهرهای جنوبی حرکت کردیم.

داخل خودرو مدارک نیز بود و همسرم فکر می‌کرد که آن را از دوستانم امانت گرفته‌ام.

روز چهاردهم عید بود که به تهران آمدم و بعد از پیاده کردن خانواده‌ام قصد داشتم خودرو را جلوی همان خانه‌ای که دزدیدم پارک کنم که دستگیر شدم.

ارسلان که اشک می‌ریخت، می‌گفت: من دزد نیستم و تقاضا دارم من را ببخشید. اگر همسرم واقعیت را بفهمد، من را نخواهد بخشید و نگران بچه‌ام هستم.

صاحب خودرو که مردی آرام بود، وقتی ادعاهای دزد خودرویش را شنید و تحقیقات نیز نشان می‌داد وی واقعیت را گفته است، شکایتش را پس گرفت و خواست ارسلان آزاد شود و نزد خانواده‌اش برگردد.

بنابر این گزارش، دادیار پرونده نیز پس از تکمیل تحقیقات، پرونده را مختومه کرد و رای به آزادی مرد جوان داد.

خط پلیس

زنان ساده‌لوح در دام مرد شیاد

خط قرمز| چهره این مرد برای عده‌ای زن ساده‌لوح آشناست، وی آنان را فریب داده تا به سرقت با روش بیهوشی دست بزند.

روز ۱۲ فروردین‌ماه، ماموران گشت، در میدان قیام «رضا» ۳۷ ساله را سوار بر پراید سرقتی سیاهرنگ دستگیر کردند.

تحقیقات نشان داد این مرد به تازگی از زندان رشت آزاد شده است و در این مدت دو خودرو را در بندر انزلی و شیراز سرقت کرده و سوار کردن زنان مسافر در نقش مامور قضایی و دادن وعده وام و کار به آنان آبمیوه مسموم می‌خورانده است، سپس با بیهوشی طعمه‌هایش به سرقت پول و طلای آنان دست می‌زد.

متهم در خصوص نحوه سرقت خودروی پراید به کارآگاهان گفت: در شهر شیراز، به عنوان مسافر سوار یک دستگاه خودروی پراید شده و پس از طی مسافتی کوتاه با معرفی خود به عنوان مامور قضایی و جلب اعتماد راننده پراید، مدعی شدم که به واسطه ارتباط با برخی مقامات مهم قضایی کشور می‌توانم نسبت به تهیه وام برای او اقدام کنم، پس از جلب اعتماد و طرح دوستی، به بهانه خرید آبمیوه از ماشین پیاده شده و در یک لحظه داروی خواب‌آوری که از قبل آماده کرده بودم را داخل آبمیوه ریخته و به راننده دادم. راننده پراید بلافاصله پس از نوشیدن آبمیوه بیهوش شد و من نیز خودرو را همراه همه اسناد و مدارک شناسایی سرقت و از آنجا به اصفهان رفته و پس از چند روز به تهران آمدم و در پوشش مسافرکش اقدام به سوار کردن زنان و در نهایت سرقت اموال آنها به شیوه بیهوشی کردم.

بنابر این گزارش، با انتشار جزییات اقدامات این مرد شیاد، پلیس با افزایش آمار زنان گرفتار شده در دام وی روبه‌رو شد و بازپرس پرونده خواسته است عکس رضا در روزنامه چاپ شود تا زنانی که در دام وی افتاده‌اند به پایگاه ۷ پلیس آگاهی تهران در میدان ۱۵ خرداد مراجعه و طرح شکایت کنند.

سقوط دردسرساز داربست ساختمان ۶ طبقه

داربستی که روی نمای یک ساختمان در حال احداث برای انجام کارهای ساختمانی بسته شده بود، حادثه‌ساز شد.

به دنبال تماس تعدادی از شهروندان با سامانه ۱۲۵ آتش‌نشانی و درخواست کمک از آتش‌نشانی، بلافاصله زنگ یک ایستگاه این سازمان ساعت ۱۳ پنجشنبه گذشته به صدا درآمد و همزمان نردبان یک ایستگاه دیگر به سمت محله اقدسیه تهران حرکت کرد.

با رسیدن آتش‌نشانان به محل حادثه مشاهده شد داربستی که روی نمای یک ساختمان ۶ طبقه در حال احداث بسته شده است، به صورت نیمه واژگون درآمده و هر لحظه احتمال سقوط کامل آن می‌رود.

آتش‌نشانان بلافاصله با بستن خیابان و جلوگیری از رفت و آمد خودروها و مردم، اقدامات ایمنی اولیه را انجام دادند و پس از آن با استفاده از چند دستگاه تیفور که از ایستگاه‌های همجوار تامین شده بود، با ایجاد چند کارگاه در طبقات مختلف ساختمان از سقوط کامل داربست جلوگیری کردند.

آتش‌نشانان موفق شدند پس از چند ساعت تلاش مداوم این داربست را از حالت معلق خارج کرده و پس از اطمینان از عدم وجود خطر و دادن تذکرات ایمنی به مالکان ساختمان به کار خود خاتمه دادند.

خط ویژه

قتل مرد ۴۲ ساله در اختلاف خانوادگی

فرمانده انتظامی استان ایلام گفت: با هوشیاری ماموران پلیس و در کمتر از ۲۴ ساعت از وقوع یک قتل در «بدره» استان ایلام قاتل که از اهالی همان استان بود، دستگیر شد.

به محض وقوع یک قتل در بدره و اعزام پلیس به محل واقعه، گروهی از کارآگاهان پلیس آگاهی این استان رسیدگی به این پرونده را در دستور کار خود قرار دادند و این قاتل را همراه همدستانش بعد از گذشت ۲۴ ساعت شناسایی و دستگیر کردند.

پس از دستگیری، متهم به جرم خود اعتراف کرده و با تشکیل پرونده تحویل دستگاه قضایی شد.

مقتول مردی ۴۲ ساله به نام «ف-س» بود که توسط چند نفر در منزل خفه شده و جسد وی شبانه به محل دیگری منتقل شده بود.

در اعتراف اولیه قاتل مشکلات و اختلافات خانوادگی را دلیل وقوع قتل عنوان کرده است.

مرگ پیرمرد در بی‌احتیاطی راننده پراید

برخورد سواری پراید با عابر پیاده، مرد ۶۵ساله را به کام مرگ فرستاد.

بعد از تماس شهروندان با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ جیرفت و اعلام یک تصادف جرحی، بلافاصله تیم‌های امدادی به محور بلوک- جیرفت اعزام شدند.

با حضور پلیس در محل وقوع تصادف، مشخص شد بر اثر برخورد یک دستگاه سواری پراید با مرد ۶۵ ساله، عابر پیاده به شدت مجروح شده و برای درمان به بیمارستان امام خمینی(ره) جیرفت منتقل شد.

با وجود تلاش تیم پزشکی، مجروح حادثه به علت جراحات شدید جان خود را از دست داد.

بر اساس نظر کارشناسان، سرعت غیرمجاز و بی‌احتیاطی راننده سواری پراید علت وقوع این حادثه اعلام شد.

شکار کیف‌قاپ‌های حرفه‌ای توسط پلیس

ماموران پلیس آگاهی شرق استان تهران با گشتزنی‌های هدفمند، دو کیف‌قاپ حرفه‌ای را در شهرستان ورامین با اعتراف به ۲۴فقره سرقت دستگیر کردند.

ماموران پلیس، حین گشتزنی در حوالی میدان بسیج ورامین متوجه وقوع یک کیف‌قاپی توسط دو راکب موتوسیکلت شدند.

پس از مشاهده این جرم، ماموران با انجام گشتزنی هدفمند در حوالی محل، به یک دستگاه موتوسیکلت فاقد پلاک با مشخصات افراد کیف‌قاپ برخورد کردند و آنها را تحت کنترل نامحسوس قرار دادند.

پس از مدتی تعقیب و مراقبت، ماموران پلیس متوجه شدند که مظنونین در حال باز کردن کیف زنانه و تقسیم اموال سرقتی هستند و به همین دلیل بلافاصله آنها را دستگیر کردند.

متهمان پس از دستگیری به پلیس آگاهی منتقل و در تحقیقات تخصصی به عمل آمده، به ۲۴فقره کیف‌قاپی و زورگیری در سطح شهرستان ورامین اعتراف کردند.

با بررسی‌های انجام شده و با اعترافات اولیه متهمان مشخص شد یکی از افراد دستگیر شده دارای ۱۶ فقره سابقه کیفری در رابطه با سرقت و زورگیری است.

با تلاش‌های پیگیرانه، تاکنون چهار نفر از مالباختگان شناسایی و تلاش برای شناسایی دیگر مالباختگان همچنان ادامه دارد.

مرگ دو زن در سانحه رانندگی

دو زن در حادثه رانندگی در شهر کرمانشاه کشته شدند.

دو خودروی سواری پراید و پژو ۲۰۶ در حد فاصل میدان رسالت تا تقاطع غیرهمسطح چغامیرزا بعدازظهر پنجشنبه گذشته تصادف کردند.

با وقوع این تصادف دو نفر از سرنشینان اتومبیل پژو ۲۰۶ جان خود را از دست دادند.

خط سه و نیم

طرح جدید سه و نیم

از اونجایی که روزهای آخر سال قول یه تحول اساسی رو داده بودیم و ما هم از اون خونواده هاش نیستیم که زیر حرف و قول هامون بزنیم ، از همین امروز برنامه جدید رو استارت می زنیم و تا آخرش هم هستیم. یعنی تا وقتی شما حامی این طرح باشید ، ما هم هستیم. اگه بخوایم علمی واستون توضیح بدیم، باید بگیم که قضیه قراره هدفمند بشه و موضوعی حرکت کنیم. یعنی از همین امروز، هر حرف و شیرین کاری و بامزه بازی و صحبتی که دارید ، می بایست یه ربطی به موضوع تعیین نشده داشته باشه. بازه زمانی هر موضوع هم فعلا تعیین نشده و حمایت و پیگیری شماست که می تونه طرح جدید رو هم به موفقیت برسونه.

پس با ما باشید...

موضوع نخست: پشت نقاب چه حرف‌هایی برای گفتن دارید؟

■ ۶۹۰۲---۰۹۱۵ باشه بابا، بالابالا، بالا

من فقط موندم که نویسنده اون تیزر تبلیغاتی، دقیقا چرا فکر کرد که این جمله بامزست؟ میخوام بدونم دقیقا پیش خودش چی فکر کرد که این جمله رو تو متن تیزر تبلیغاتیه آورد.

■ ۴۹۹۸---۰۹۳۰ سه ونیم عزیزتو که لطف میکنی موضوع میدی بی زحمت کنارشم یه مثالم بزن دیگه

اینجوری مخاطبا بهتر متوجه میشن.باتشکر فراوان آرش

با ذکر مثال نمرش بیشتر میشه؟!

■ ۷۲۶۹---۰۹۱۰ به مامانم میگم مامان اگه یه نقاب داشتی پشتش چه حرفایی میزدی؟گفتش برو جاروتو بزن این اداها چیه ازخودت درمیاری؟!کلا موضوع نقاب روبوسیدم گذاشتم کنار!

شانس آوردیم مامان شما از مخاطب های ما نیستن وگرنه روزی شونصد بار چنین برخوردی رو با ما انجام میدادن.

■ ۲۴۴۱---۰۹۱۵ سه ونیم خواهشابرامون دعاکن امتحانامون روخوب بشیم من الان امتحان معرفی دارم خودت میدونی چقدرسخته پس دعاکن به دعات نیاز داریم.

امتحان معرفی سخته؟ میری میگی من فلانی هستم. تازه خواستی میتونی اسم کوچیکت رو هم نگی. این کجاش سخته آخه؟

■ ۸۴۸۰---۰۹۳۰ سه و نیم من از نقاب مقاب خوشم نمیاد خودم خیلی بهترم.(یکم حرص بخور)سارا

ما گفتیم بدتری مگه؟ به ظاهر خودت مشکوکی ها.

■ ۳۹۶۳---۰۹۳۹ حیف که نمیشه از پشت نقاب کسیو بوسید وگرنه بعد از اینکه "بمامانم" میگفتم چقدر دوسش دارمو عاشقشم میبوسیدمش،آخه بدون نقاب روم نمیشه.

مگه ابراز علاقه به مادر و بوسیدنش رو می خواد آخه؟ حرفایی میزنیدها.

■ ۱۲۸۴---۰۹۱۵ یک تشکر و یک گلایه ازت دارم تشکر بابت عید نبودی.گلایه واسه اینکه تو ایام عید

پیام‌های خودمونی

پسرام یواشکی بهت اس میدادن.امروز فهمیدم.اونم هرروز.چرا چیزی نگفتی؟مامان طاها وعطا

باید چیزی می گفتم؟ میخواید واسه گوشیتون رمز ورود بذارید و گوشیتون تو ایام عید همراهتون باشه که کسی باهاش پیام نفرسته.

■ ۳۰۴۱---۰۹۳۸ اتفاقا من اصلن از تو یادی نکردم دلمم واست تنگ نشد.

چقدر هم خوب. اینکه بعضی ها یادت نباشن،خودش یه خبر خوبه واسه آدم.

■ ۳۸۲۸---۰۹۱۵ میگم آق صابر اگه یه کم توجه کنی میبینی اکثر مردم بیشتر اوقات پشت نقابن وفقط تو خلوت وتنهایی از پشت نقاب میان بیرون! پس تمام این رفتارا وچیزایی که میبینی همه حرفای پشت نقابیه. نظرت چیه؟

چقدر بگم کار سخت از من نخوایدـ؟ آخه کی حال توجه کردن داره الان؟

■ ۹۸۸۸---۰۹۳۷ الان دارم روزنامه۱۹شهریورسال پیشو میخوندم چه باحال بودی اون موقع وقت قرص های قرمزوسبز.سوژه ستون.

یادش بخیر. ببینید ارتقای فرهنگی جمعمون رو. از قرص قرمزه رسیدیم به کجاها. (حالا شروع نکنید و همتون پیام بفرستید و بپرسید که رسیدیم به کجا؟! اصلا رسیدیم به هر جا. به من چه اصلا)

■ ۳۱۵۶---۰۹۳۹ من به مدت نبودم،یه نفر فداکاری

می شه؟ آدم لذت می بره از اینهمه جواب های تحلیلی و پیچیده از موضوع نق آب.

■ ۴۶۴۴---۰۹۱۵ وای وای سه و نیم خط فاصله داره ادای تو رو در میاره! امروز جواب چند تا از پیام ها رو داده بود، کم کم به همشون جواب میده درست مثل تو! حسادت هم حدی داره. والا! ساحل دل آرام

خب بذار انجام بدن. فکر می کنن عامل موفقیت ما و جمع دوستانه ای که تشکیل شده، همین جواب دادن به پیام هاست. نمی دونن که ما جمعمون پر بچه های باحال و اینکارست.

■ ۵۵۳۴---۰۹۱۵ وقتی ما میتونیم یه موضوعی رو خز کنیم،مطمئنا میتونیم تا مرحله طنزهم ببریم. دخمل بابا

والا! خز کردن کم از طنز نداره. موافقین؟.. نه؟! نیستین؟ لازم بود الان توی جمع بگین موافق نیستین که شخصیت من خرد شه و باعث سرخوردگیم بشه و بعدها در اجتماع آدم مفیدی نشم؟

■ ۴۲۹۱---۰۹۳۸ آخه مگه داریم؟ جواد فانتزی

آره که داریم. فانتزیش هم اومده تازه.

■ ۳۸۲۵---۰۹۱۵ دوست داشتم الان نقاب داشتم تا به این مشتری که تو مغازه است می گفتم بوق بوق بووووووق-آخه برداشته دو عدد زیتون کیلو ۲۵۰۰۰ تومانی خورده تا ببینه طعمش خوبه یا نه-بعد میگه هزار تومان از این زیتون بده-میدونی چند دونه میشه؟دو تا و نصفی. مهدی

خب بهش میگفتی ۲تاش رو که خوردی. یه نصفه میشه

کنه واسه من توضیح بده اینجا چه خبره؟!نقاب دیگه چیه؟ها!راستی سال نوت مبارک. آرزو

یه مدت نبودی درست. مقدمه ای که هر روز اول ستون چاپ میشه رو که میتونی بخونی.

■ ۳۳۰۶---۰۹۱۵ من پشت نقاب میگم این سه ونیم استاد پیچوندنه همچین شیک مارو می پیچونه که خودمون هم نفهمیم! نمونش همین قضیه کات ذهنی! کدوم کات ذهنی؟ چرا؟! میگم خب چه خبر دیگه؟ هوا هم که یه چند روزی هست گرم شده.

■ ۵۵۳۴---۰۹۱۵ به دلایلی نمیشه همه حرفامون رو بزنیم. آخه بجاش بوق میذاری. دخمل بابا

به چه دلایلیش مهمه!

■ ۴۷۱۷---۰۹۳۶ اگه بگیم حرفی نداریم بیخیالش میشی!؟ بریم سراغ موضوع بعدی دیگه. امیر...

آره. همتون قشنگ و بصورت کتبی اعتراف کنید تا بریم سراغ موضوع بعدی.

■ ۴۷۱۷---۰۹۳۶ فکر کنم وقتی آخر پیامم بنویسم امیر... پیامو چاپ نمیکنی خب نمینویسم امیر...

اونجوری باشه که پیام هیچکی رو نباید چاپ کنم. آخه با همتون مشکل دارم.

■ ۵۱۹۵---۰۹۱۵ سلام تا حالا شده خواب باشی نق آب (چک چک) آب نداره بخوابی؟ زورت بیاد پاشی سفتش کنی تا صبح رو مخت باشه؟ علی تاجر

مـی بینید چه تحلیل های سنگینی از ایـن بحث داره رو

طلبت که باشه دفعه بعدی که اومدی و دو تا رو خوردی و هزار تومن زیتون خواستی، سر جمع یه دونه زیتون تقدیمتون کنم.

■ ۹۵۶۵---۰۹۱۵ کدر. تیره...حالا یکی نقابش پارچه‌ای و ضخیمه تو باید گیر بدی؟نرگس

نقاب پارچه ای ضایعست خب. اصلا فکر کنید نقاب پارچه ای نداری. راجع بهش حرف نزنید. اصلا نقاب پارچه ای بازی نباشه.

■ ۶۶۳۴---۰۹۳۸ داداش صابر تو قول میدی که اگه ما گفتیم پشت نقاب چیا به کیا میگیم تو هم بگی پشت نقاب چیا به کیامیگی؟اگه قول میدی که من بگم؟؟!ریحان

من قول نمیدم. اما شما بگید.

■ ۶۱۵۳---۰۹۱۵ سال نو مبارک.آخرین نفری که این رومیگه منم هر کی هم دوباره بگه من باز میگم. اگه هم نگه نمیگم.توبگی هم میگم.درکل میگم. بگم؟بگم؟امین

جوون خوبی بود. اما اون تصادف لعنتی...

■ ۵۵۳۴---۰۹۱۵ سه ونیم حالا که دستت رو شده، اون نقابو بنداز دور، آمار اون کشورایی که تو وبلاگت زدی، واقعا بازدید کردن؟!! دخمل بابا

شما تا اونجاش رو هم خوندین؟ اون که مال چند سال پیشه.

■ ۷۷۹۹---۰۹۳۳ آره طرف تازه دستگاه خنک سنجو خریده از نمایندگی منم خرید از همون دستگاهاییه که پارسال شما یکی برنده شدی.!عقیل

هار هار هار. احساس بامزگی!

ادامه در صفحه ۴ خط قرمز